

درگیزی رفیق صباپوزن زاده (هاجر) اسفند ۵۰

وز رفیق بهنتم انبری دوائی (تاری وردی)

رفیق هاجر بار رفیق احمد يك ماشين هيلمن سفيد رنگ ميخرند اين ماشين را از خيابان  
بودجه <sup>چهری</sup> از شخص بنام فرزندد کارمند اداره مخابرات (خط خارج کاخ مخابرات)  
خریداری میکند. رفیق احمد میگوید چون خانه ام در قهرز است سند به آدرس شما بیايد  
من بعد از يك ماه میآیم و آن را بگیرم. وقتی رفیق احمد درگیر میشود کلید ماشين در  
جیبش بوده است بعد از ضربه خوردن رفیق احمد رفیق هاجر بدنبال گرفتن سند میرود  
پس خبر از اینک دشمن به ماشين رسیده است و فرزندد هم با دشمن همکاری میکند ،  
رفیق هاجر به صاحب ماشين تلفن میزند میپرسد سند ماشين آمده او هم میگوید بیا  
آنرا بگیر رفیق هاجر میگوید میآیم خانه و آنرا بگیرم او میگوید بیا اداره وسایط که میخواهی  
بنای معین کن رفیق هاجر اصرار میکند که میآیم خانه و او قبول میکند بعد از تلفن زدن  
رفیق هاجر به رفقا میگوید که فرزندد اصرار داشته که زمان وصولی که میخواهد سند را  
بدهد از قبل معلوم باشد رفقا بعد از صحبت کردن (رفیق هاجر در شورا نمیگوید که کلید  
— ماشين در جیب احمد مانده است) بآنها این نتیجه میبرند که خطری نیست و نهایتاً  
صاحب اولیه ماشين اصرار کرده بود اینست که میخواهد دوباره ماشين را بخرد \* .  
رفیق هاجر قرار بود باینکه او رفتا بیرون جلوی کاربر (میدان کپه) و رفیق هاجر سند را  
بگیرد. رفیق در خارج ساختمان بماند ولی همانشب برای رفیق اهانی می افتد و رفیق هاجر  
رفیق تاری را میبرد رفیق هاجر چون گت بود میرود خانه لذا پیشنهاد کرد بیرون اداره  
که در واقع صاحب اولیه ماشين غافلگیر شود و همین کار را میکند رفقا بیرون اداره صاحب

زیرا صاحب ماشين ازین پولی ماشين را فروخته بود و رفتا فکر میکرد ندا و میخواهد ترتیب  
دهد که ماشين را تسلی بخرد .

اولیه ماضین را میبندد او بگوید که سند در خانه است پیروم پنا بد هم رفیق طبرستانی

پنا در صورت خانه که در آنجا درگیر میشوند و هر دو رفیق شهید میشوند .

اتحاد جان و اردیبه رفقا

۱ - رفیق طبر تمام ناکه های موجود را بر سر او انداخته بود (نگین که در جیب رفیق احمد)

لذا رفقا نتوانستند قسم درستی بگیرند . رفیق طبر نسبت به رفیق احمد نسبت نشان

داده بود و اسرار داشت که ناپاک که ماضین تمام استوار هم رفیق احمد دستگیر شود

ماضین را متوجه گفت (۲) .

۲ - رفیق طبر نیایست رفیق طابند قاری را با خود پیبرد چون این حرکت استیجاب به خود

نمیخواست و این نظر به رفیق اتحاد وارد است .

۳ - رفقا بغوش خیال شده اند و نترسند رفقا اند خان نیوانستند با خود مانع باشند

که نترسند همکاری کرده پناه خلا قاری بکه نترسند را نیز که در حرکت ناکه با کله برین ؟

آنوقت اگر او بل نسبت های جدید شده بود نترسند خود را از این است در رفیق این صورت

رفیق طبر می توانست بگوید دوست ما خیال کرده شما نیستند را میباید ندید .

۴ - رفیق به نفس خودش بیای کی داده و حرکتی کرده که نیایست می کرد (۳) .

اگر ماضین را بدست می آوردیم ۳۲ هزار تومان\* بود و این خسارتی که تا این اولین ضربه بود

ملاوه بر شهید شدن رفیق بیشتر از ۳۲ هزار تومان بود . رفقا نتوانستند از این درستی

اولین حرکت بکنند .

\*

۴ در این نوع وضع طای ساوان خوب نبود و حرکت رفیق گذاری تا این از وضعیت ساوان در آن

وضع بوده است .

(۱) - سطرهای یک چهارم خطی در دو حالت که درجه اولی آنجا آمده باشد  
 به وسیله فردگانی آورده شود و در اینجا همیشه به ریل انتقال وارد است بر ریل  
 صواب است بهترین عدد و نشانها در مواضع کنند در اینجا ریل چهار وسیله سگتاری  
 شده است .

(۲) - این پرده است که در سطر اول انتقال ریل پس از هر ریل اولی آمده بوده است  
 که سطر در اینجا ریل چهار دگانه شده است و در اینجا سطر اولی همیشه ریل  
 اولی باشد که ریل فعلی در سطر بنشیند در اینجا علاوه بر اینکه به ریل خطی  
 انتقال وارد است که در هر دو حالت انتقال وارد است که در هر دو حالت انتقال  
 را اندیده گشته اند و در اینجا فعلی در سطر اولی است که این حرکت در سطر  
 به سطر اولی از سطر برای یک آورده .

(۳) - در هر دو حالت هم انتقال وارد است که با حرکت در مواضع کرده و همیشه  
 آورده گشته است .